Islamic Maaref University

Scientific Journal
The History of Islamic Culture And Civilization

Vol. 16, Summer 2025, No. 59

Zakat as a Non-Financial Civilizing Requirement in Islamic Culture Based on the Perspective of the Ahl al-Bayt

Muhammad Mustafa Asadi [1]

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
asady.m@iums.ac.ir

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2024.12.02
Accepted:
2025.04.19

Abstract

Building an Islamic-level civilization in the current era is not possible except with a deep understanding and comprehensive application of the teachings of the Thaqalayn. The specific question in the present study is: How are the non-financial and non-Shariah dimensions of the zakat norm, which have a civilizational impact, defined based on the perspective of the Ahl al-Bayt as the transcendental leaders in Islamic culture? Based on the findings of the analytical research, in Islamic culture, a universal and maximum commitment to a culture of standards, a constructive and reformative character in the social arena, an active role in scientific education, and a service-oriented character in the institution of governance have been considered zakat. As a result, it became clear that the Ahl al-Bayt, through this discourse, were intent on making society consider the elements of civilization as a religious obligation; although these issues are not specifically included in the circle of branches of religion and are not considered religious obligations. In addition, the Ahl al-Bayt have tried to expand the mentality of being content with financial responsibility to the general human enjoyments in the manifestation of positive social roles by considering zakat as a civilizational role.

Keywords
Zakat and civilization, non-financial zakat, Islamic culture, Ahl al-Bayt and civilization, zakat as a civilization.

Cite this article:
Asadi, Muhammad Mustafa (2025). Zakat as a Non-Financial Civilizing Requirement in Islamic Culture Based on the Perspective of the Ahl al-Bayt. *The History of Islamic Culture And Civilization*. 16 (2). 95-112. DOI: 10.22034/16.59.93

DOI:
https://doi.org/10.22034/16.59.93

Publisher:
Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية
جامعة المعارف الاسلامية
السنة ١٦ / الصيف عام ١٤٤٧ / العدد ٥٩

زكات الالزامات غير المالية لصنع الحضارة في الثقافة الاسلامية المبنية على وجهة نظر اهل البيت عليهم السلام

محمد مصطفي اسعدي [١]

١. استاذ مساعد فرع المعارف الاسلاميه، جامعة العلوم الطبية الايرانية، طهران، ايران.

asady.m@iums.ac.ir

معلومات المادة	ملخّص البحث
نوع المقال: بحث **تاريخ الاستلام:** ١٤٤٦/٠٥/٣٠ **تاريخ القبول:** ١٤٤٦/١٠/٢٠	بناء حضارة اسلامية متوازنة في عصر الاحياء، لايمكن الا بدرك عميق و العلم الشامل لتعاليم الثقلين. السؤال المحدد في البحث الحاضر هو كيف يتم تعريف الابعاد غير المالية و غير الشرعية. عمليات الزكات التي لها تاثير حضاري، علي ضوء وجهات نظر اهل البيت بصفتهم قادة متميزين ماوراء العصور في الثقافة الاسلامية؟ علي اساس معطيات البحث باسلوب تحليلي في الثقافة الاسلامية الالتزام العام و الحد الاقصي لثقافة المعيار، سيرة الباني و النزعة الاصلاحية في المضمار الاجتماعي، خلق الدور الفاعل العلمي و التعليمي و الاخلاق ذات محور الخدمة في مركز السيادة و السلطة، امست كانما هي الزكات. بالنتيجه أتضح بان اهل البيت بهذه المقوله، كانوا بصدد ان المجتمع يعتبر عناصر بناء الحضارة كالشريعة هي فريضة؛ و ان كانت هذه المواضيع بشكل خاص لايتسع في دائرة الفروع و اعتباره فريضه شرعية. علاوه علي ان اهل البيت بالزكات الادوار الحضارية سعوا لتوسيع الاكتفاء بالمسؤلية المالية، علي عامه التعامل الانساني في بروز الادوار الاجتماعية الايجابية..
الألفاظ المفتاحية	الزكاة و الحضارة، الزكاة غير الماليه، الثقافة الاسلاميه، اهل البيت و الحضارة، الزكاة.
الاقتباس:	اسعدي، محمد مصطفي (١٤٤٧). زكات الالزامات غير المالية لصنع الحضارة في الثقافة الاسلامية المبنية علي وجهة نظر اهل البيت عليهم السلام. *مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الأسلامية*. ١٦ (٢). ١١٢ ـ ٩٥. DOI: 10.22034/16.59.93
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/16.59.93
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
سال ۱۶، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۵۹

زکات‌انگاری الزامات غیرمالی تمدّن‌ساز در فرهنگ اسلامی مبتنی بر دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام

محمد مصطفی اسعدی [۱]
۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
asady.m@iums.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۹۵ ـ ۱۱۲)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۹/۱۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۱/۳۰

چکیده

ساخت تمدن تراز اسلامی در عصر احیاء، جز با درک عمیق و کاربست همه جانبه آموزه‌های ثقلین امکان‌پذیر نیست. پرسش مشخص در پژوهش حاضر آن است که مبتنی بر دیدگاه اهل بیت به عنوان راهبران شاخص فراعصری در فرهنگ اسلامی، ابعاد غیرمالی و غیرشرعی هنجار زکات که دارای تأثیر تمدنی هستند، چگونه تعریف می‌شود؟ بر اساس یافته‌های پژوهش به روش تحلیلی، در فرهنگ اسلامی التزام همگانی و حداکثری به فرهنگ معیار، منش سازنده و اصلاح گرانه در عرصه اجتماعی، نقش‌آفرینی فعّال علمی آموزشی و منش خدمت محور در نهاد حاکمیّت، زکات انگاری گردیده است. در نتیجه مشخص گردید اهل بیت با این گفتمان، مترصد آن بودند که جامعه عناصر تمدّن ساز را بسان شریعت فریضه بدانند؛ هرچند این موضوعات به صورت خاص در دایره فروع دین نگنجند و عنوان فریضه شرعی بر آنان بار نگردد. به علاوه اهل بیت با زکات انگاری نقش‌های تمدّنی کوشیده‌اند تا ذهنیّت اکتفا به مسئولیت مالی، به عموم برخورداری‌های انسانی در بروز نقش‌های مثبت اجتماعی گسترش یابد.

واژگان کلیدی زکات و تمدن، زکات غیرمالی، فرهنگ اسلامی، اهل بیت و تمدن، زکات‌انگاری.

استناد: اسعدی، محمد مصطفی (۱۴۰۴). زکات‌انگاری الزامات غیرمالی تمدّن‌ساز در فرهنگ اسلامی مبتنی بر دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. ۱۶ (۲). ۱۱۲ ـ ۹۵. DOI: 10.22034/16.59.93

کد DOI: https://doi.org/10.22034/16.59.93

ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

نیک می‌دانیم فرهنگ معیار اسلامی که در آموزه‌های وحیانی کتاب وحی و آموزه‌های روایی پیشوایان دین تعریف و تحدید شده، بسته جامعی از هنجارها و ناهنجاری‌ها را در ساختار جامعه‌پرداز و تمدن‌ساز خود تعریف می‌کند که می‌تواند سازنده بهترین نمود حیات جمعی در جوامع گونه‌گون بشری باشد. این فرهنگ، هم نظام بینشی و نگرشی تراز، هم ارزش‌ها و گرایش‌های تراز و هم کنش‌ها و آداب و رسومی تعریف می‌کند که برای عرصه‌های مختلف حیات انسان قابل همراهی و پیروی بوده و هیچ محدودیّت جغرافیایی، محیطی، زبانی و قومیّتی در آن جانمایی نمی‌گردد.

از دیگر سو می‌دانیم بخش روشن و معیّنی از فرهنگ اسلامی به‌عنوان فروع دین و یا احکام شریعت شناخته می‌گردد که سازنده سازوکار و قواعد حقوقی، جزایی و کیفری در جامعه دینی است. فقه اسلامی متخذ از منابع دینی و کارکرد عقلی، باتوجه‌به برخورداری از احکام خانوادگی، اجتماعی و بین‌المللی، ظرفیّت وسیعی در نظام‌سازی و تمدّن‌سازی را دارا است؛ هرچند بسیاری از ابعاد فقه موجود نیازمند بازنگری از رویکرد انفرادی به رویکرد اجتماعی و بین‌المللی است.

اما نکته مهم آن است که فرهنگ اسلامی علاوه بر نظام شریعت و ساختار فقهی و حقوقیِ تعریف شده در قرآن و سنّت، لایه متفاوت و دیگری از ارزش‌گذاری و قاعده‌سازی را با همان اصطلاحات و همان قالب شرعی بیان نموده که لزوماً به ابعاد فقهی مسئله و ساختار شریعت وابسته نیست. برای مثال عنوان جهاد علاوه بر آنکه به‌عنوان یکی از فروع دین در بعد نظامی معرفی شده، در رویکرد تمدنی نیز تعریف گردیده و نقش‌های مختلف خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و علمی متعددی برای آن تعریف گردیده است.[۱]

در همین راستا می‌دانیم حجم انبوهی از گزاره‌های وحیانی و روایی در موضوع زکات، به زکات اموال، شرایط و موانع و فروعات فقهی مرتبط با آن اختصاص دارد؛ چه اینکه روشن است زکات یکی از فرائض ده‌گانه در نظام شریعت شناخته می‌شود. این در حالی است که در نگره فرهنگ‌ساز و تمدن‌ساز اهل بیت، عنوان و اصطلاح زکات به‌عنوان یک واجب مالی و اقتصادی، صرفاً در همین بخش دیده نشده و علاوه بر این پیشوایان دین، بدون هیچ قید تشبیهی و تمثیلی، آن را به‌عنوان هنجاری فراشرعی و فرا اقتصادی نیز تعریف نموده‌اند. به دیگر سخن، زکات شرعی به‌عنوان یک فریضه دینی و مالی، گاهی مصداق موضوعی قرار گرفته که نه مالی است و نه در شریعت، عنوان «فریضه» برای آن تعریف شده است.

---

۱. ر. ک: محمد مصطفی اسعدی، «جهادانگاری بایسته‌های غیرنظامی تمدن‌سازی در فرهنگ اسلامی مبتنی بر دیدگاه اهل بیت»، ***نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ش ۵۶، ص ۶۳ ـ ۸۲.

هرچند فرهنگ دینی آن را به‌عنوان یک امر ترجیحی و یا الزام انسانی و اجتماعی تعریف نموده باشد.

بر این اساس پرسش مشخص در پژوهش حاضر آن است که مبتنی بر دیدگاه اهل‌بیت به‌عنوان راهبران شاخص فراعصری در فرهنگ اسلامی، ابعاد غیرمالی و غیرشرعی اصطلاح زکات که دارای تأثیر تمدنی هستند، چگونه تعریف می‌شود؟ به دیگر سخن اهل‌بیت علیهم‌السلام چه انگاره‌های غیرمالی برای عنوان زکات ارائه داشتند که در عرصه خطیر و وسیع جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، قابل استفاده و بهره‌گیری است؟

ضرورت این پژوهش از یک سو مرتبط با ضروت جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی مبتنی بر مکتب اسلام و مکتب اهل‌بیت است که دغدغه عموم شیعیان و تمدن‌پژوهان مسلمان است و این مهم، جز با فهم دقیق و ساختارمند آموزه‌های ایشان تحقق نخواهد یافت. از سوی دیگر، بازخوانی آموزه‌های پیشوایان دین در رویکرد تمدنی می‌تواند ظرفیت‌های جدیدی در کارکردهای اجتماعی دین فراهم آورده و نیازهای روزآمد جامعه اسلامی و جهان را پوشش بدهد.

پیش از این پژوهشی منطبق با مسئله حاضر و رویکرد نوشتار حاضر، یافت نگردید. در بانک مقالات نورمگز، ۳۹۴ عنوان مرتبط با کلیدواژه «زکات» یافت گردید که هیچ‌کدام هم‌پوشان با بحث پیش‌رو دانسته نشده و عموم پژوهش‌ها، زکات را با لحاظ همان رویکرد شرعی و مالی مورد توجه قرار داده‌اند؛ هرچند بسیاری از پژوهش‌ها به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، تاریخی و اخلاقی در همین فرع مالی توجه نموده‌اند.

چارچوب نظری این پژوهش، عرصه تمدن‌پژوهی و مسائل اجتماعی مرتبط با آن در رویکرد دینی و به‌صورت متمرکز ناظر به فرهنگ اسلامی است که از منابع کهن تاریخی و روایی قابل استخراج است. بنابراین عرصه پژوهش از جهت فعل معصومان، بعد تاریخی و از جهت قول پیشوایان، بعد حدیثی و روایی خواهد داشت. اما به‌صورت متمرکز در این میدان، مسئله عوامل اعتلا و شکوفایی تمدن، مورد مداقه خواهد بود. زیرا نوشتار حاضر به الزامات آن خواهد پرداخت و عنایتی به عوامل و مسائل انحطاط تمدن ندارد و صرفاً به نکته محل بحث به روش تحلیلی خواهد پرداخت.

پیش‌فرض در پژوهش حاضر آن است که فرهنگ اسلامی، فارغ از ابعاد شریعت‌محور در مقوله زکات، هنجارهایی جامعه‌ساز در همین عنوان ارائه می‌نماید که تمدن تراز اسلامی بدون التزام و پیاده‌سازی همگانی آنها، دست‌یافتنی نخواهد بود. یعنی فرهنگ دینی، صرف التزام به زکات مالی را برای ساخت جامعه مطلوب خود کافی نمی‌داند؛ هرچند آن را به صورت قطعی لازم می‌شمارد.

مفهوم‌شناسی اصطلاحات

۱. زکات‌انگاری

این اصطلاحِ ترکیبی، ابداع نگارنده بوده که این از دو واژه زکات و انگاره ترکیب شده است. زکات یکی از فروعات ده‌گانه شریعت در فرهنگ اسلامی است که در دانش فقه برای آن ضوابط و شرایط مشخّصی تعریف شده و ناظر به وجوب پرداخت بخش معینی از مال شخصی با نصاب معین بوده است. این واژه در نگاه لغت‌شناسان در معانی متعددی دیده شده است. العین آن را به معنی «صلاح» گرفته است.[۱] المحیط فی اللغه زکات مال را تطهیر آن دانسته است.[۲] اما راغب اصفهانی، اصل زکات را به معنای نموّی که حاصل از برکت الهی است می‌داند.[۳] مصباح المنیر نیز در معنایی نزدیک، زکاء را به معنی نماء و زیاده لحاظ نموده است.[۴]

برخی نیز این دو معنا را توأمان در نظر گرفته و زکات را به معنای نماء و صلاح دانسته‌اند.[۵] برخی نیز چهار مورد را در اصل معنای زکات در نظر گرفته‌اند: طهارت، نماء، برکت و مدح.[۶] ابن‌منظور هم با اشاره به حدیثی از امیرالمؤمنین، زکات را به معنای نماء و ریع گرفته است.[۷] بر این اساس می‌توان گفت: زکات در نگاه لغوی، ناظر به نوعی از معنای رشد، افزایش و گسترش است که همزمان پاک‌سازی و پالایش را نیز به همراه دارد و از درون موضوع، عناصر آسیب‌رسان و غیرمفید را می‌زداید.

واژه انگاره را در زبان فارسی به معنای پندار، وهم، گمان، داستان، سرگذشت، اندازه و قیاس دانسته‌اند.[۸] در پژوهش حاضر مقصود از ترکیب این واژه با واژه زکات، در نظر گرفتن و لحاظ آموزه‌ها و هنجارهایی در فرهنگ دینی است که ذیل زکات واجب مالی تعریف نمی‌شود و صرفاً با عنوان یکسان زکات، در بیان پیشوایان دین ارزش‌گذاری شده و به‌عنوان یک مسئولیت دینی غیر مالی برای پیروان لحاظ گردیده است. بر این اساس زکات‌انگاری، نه ناظر به اصل دیدگاه معصوم، بلکه ناظر به انگاره فراشرعی آن خارج از چارچوب رایج فروع دین و معنای مالی آن است.

---

۱. فراهیدی، ***العین***، ج ۵، ص ۳۹۴.
۲. صاحب بن عباد، ***المحیط فی اللغه***، ج ۶، ص ۳۰۰.
۳. راغب اصفهانی، ***مفردات الفاظ القرآن***، ص ۳۸۰.
۴. فیومی، ***المصباح المنیر***، ج ۱، ص ۲۵۴.
۵. ازدی، ***کتاب الماء***، ج ۲، ص ۵۸۶.
۶. ابن‌اثیر، ***النهایه فی غریب الحدیث و الاثر***، ج۲، ص ۳۰۷.
۷. ابن‌منظور، ***لسان العرب***، ج ۱۴، ص ۳۵۸.
۸. معین، ***فرهنگ فارسی***، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. تمدّن‌سازی

اصطلاح تمدّن که ارتباط مستقیم با خروج انسان از مرحله بدویّت، شهرآیینی و حیات اجتماعی و بین‌المللی او دارد، در نگاه تمدّن‌پژوهان تعاریف متعدّدی دارد. از میان اندیشمندان داخلی، برخی آن را به معنای تشکّل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مثبت انسان‌ها می‌دانند.[۱] برخی تمدّن‌نگاران غربی نیز آن را به معنای نظامی اجتماعی می‌دانند که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی می‌گردد.[۲]

در نگاه نگارنده، تمدّن به‌صورت روشن ناظر به «نمود حیات جمعی بشر»[۳] است که در ساحت‌های گوناگون حاکمیّت، نهادهای علمی، سازوکار اقتصادی، شهرسازی، معماری و غیره بروز می‌یابد. آنگاه تمدّن‌سازی ناظر به عواملی است که می‌توانند در شکل‌گیری، حرکت و پیشرفت و گسترش این موضوع و حتّی ماندگاری و مانایی این موضوع اثرگذار باشند. بر این اساس، دین و فرهنگ که به‌صورت روشن به‌عنوان دو عامل پیدایی تمدّن شناخته می‌شوند،[۴] می‌توانند آموزه‌هایی ارائه دهند که در این فرایند اثرگذار باشند.

۳. فرهنگ اسلامی

اصطلاح کهن فرهنگ، در دیدگاه‌های داخلی و خارجی دارای تعاریف فراوان و متکثّری است که باعث شده برخی حتی این تعاریف را در گونه‌های تاریخی، ایدئولوژیک، روانشناسی و غیره دسته‌بندی کنند.[۵] امّا به‌صورت کلی می‌توان این موضوع را ناظر به کیفیت حیات موجود و مطلوب انسان»[۶] دانست که دربرگیرنده تمام عناصر مشترک میان هر جامعه در عرصه بینش، ارزش و کنش و متمایز از هرگونه حیات حیوانی و نباتی تعریف گردد.

اما فرهنگ اسلامی به‌صورت مشخص دربرگیرنده هنجارها و ناهنجاری‌هایی است که در نظام بینشی و منشی آیین اسلام تعریف گردیده و به‌عنوان یک بسته نرم‌افزاری فراعصری و فراسرزمینی در اختیار جامعه بشریت قرار گرفته است. خاستگاه این فرهنگ، تمام آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت به‌عنوان دو وزنه‌ای است که در دیدگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عامل رهایی از گمراهی امّت اسلامی شناسانده شده‌اند.[۷]

---

۱. جعفری، ***ترجمه و تفسیر نهج البلاغه***، ج ۵، ص ۱۶۱.
۲. دورانت، ***درآمدی بر تاریخ تمدّن***، ص ۲۵۶.
۳. اسعدی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۲۹.
۴. کاشفی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۵۳.
۵. صالحی امیری، ***مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی***، ص ۳۱.
۶. اسعدی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۲۴.
۷. خزاز رازی، ***کفایه الاثر***، ص ۸۷.

۵. اهل بیت

این اصطلاح، عنوانی وحیانی[۱] روایی[۲] است که ناظر به شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و افراد شاخص از فرزندان، بستگان و نسل ایشان است که دارای جایگاه ویژه الهی و دینی بوده‌اند و به جهت برخورداری از جایگاه عصمت، به‌عنوان معصومان هم شناخته می‌شوند. این گروه چهارده نفری در مبنای مشخّص شیعی، در برگیرنده حضرت زهرا علیها السلام، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حسنین علیهما السلام و نُه نفر از ذریّه ایشان می‌باشد که در روایات شیعی به‌صورت مصداقی شناخته شده هستند.[۳] بنابراین روشن است که این اصطلاح، شمولی نسبت به همسران و سایر فرزندان و بستگان نسبی و سببی پیامبر و سایر فرزندان ائمه ندارد.

بایستی دانست که اهل بیت به‌عنوان شخصیت‌های شاخص و اصیل در جامعه اسلامی عصر حضور و اعصار آتی شناخته می‌شوند که نه‌تنها شیعیان، بلکه عموم مسلمانان ایشان را به‌عنوان اندیشمندانی صاحب‌نظر و عالمانی بی‌نظیر می‌شناختند. این موضوع در بدو امر، ناظر به حدیث «مدینه علم» منقول از فریقین است که جامع تمامی دانش‌ها و مشتمل بر علوم اجتماعی است.[۴] بعد از آن، اقرار عموم جامعه حتی مخالفان در ادوار مختلف به جایگاه علمی و نظری ایشان است که قابل مقایسه با دیگران نیست. برای مثال فردی پس از طرح پرسشی پزشکی از امیرالمؤمنین و شنیدن پاسخ چندوجهی امام، به دانش وافر ایشان اذعان نمود.[۵] نیز به گزارش عبدالله بن سنان، فردی از خوارج پس از طرح پاسخ فلسفی از امام باقر علیه السلام و شنیدن پاسخ ایشان، چنین به علم امام اذعان نمود: «**الله اعلم حیث یجعل رسالته**».[۶] یا فرد دیگری به نام سندل پس از طرح اشکالی تاریخی بر گفتار امام صادق علیه السلام و شنیدن جواب ایشان، دقیقاً همین اقرار را ابراز داشت.[۷]

یافته‌ها

وفق پژوهش صورت گرفته در انبوه منابع کهن تاریخی و روایی که منعکس‌کننده دیدگاه اهل‌بیت هستند، ایشان مسائل متعدّدی از عوامل اعتلای تمدن دینی را زکات‌انگاری نموده‌اند تا مسیر جامعه دینی

---

۱. احزاب / ۳۳.
۲. مفید، ***الارشاد***، ج ۱، ص ۲۳۳.
۳. خزاز رازی، ***کفایه الاثر***، ص ۴۱.
۴. آلوسی، ***روح المعانی***، ج ۱۳، ص ۶۰؛ ابن‌عربی، ***احکام القرآن***، ج ۳، ص ۱۱۱۴.
۵. ابن‌شهر آشوب، ***مناقب***، ج ۲، ص ۵۳.
۶. ابن‌بابویه، ***التوحید***، ص ۱۰۸.
۷. طوسی، ***الامالی***، ص ۴۲۷.

به سمت بهبود فرهنگی و زایش تمدنی پیش برود. در دیدگاه آن بزرگواران، زکات عنوانی عام است که برای هر چیزی و هر کسی و هر موقعیّتی به‌نوبه خودش تعریف می‌شود. بنابراین فرمودند: «لکلّ شیئٍ زکاه ...».[1] در واقع مصادیق زکات با هر پدیده‌ای که به انسان مرتبط است، قابل رهگیری است تا زکات‌انگاری، یک مسئولیت عام انسانی در شرایط گونه‌گونه حیات فردی و اجتماعی لحاظ گردد. این موضوعات به‌صورت کلی در چند دسته قابل جانمایی هستند:

۱. التزام همگانی و حداکثری به فرهنگ معیار

به جرئت می‌توان گفت: مهم‌ترین مسئله برای ساخت یک تمدّن دینی مطلوب، آن است که آحاد جامعه دینی خود را متلزم به فرهنگ معیاری بدانند که در آموزه‌های الهی تعریف و ترسیم گردیده است. اهمیّت این موضوع بدان جهت است که تک‌تک عوامل انحطاط تمدن را می‌توان به همین عامل مرتبط دانست. یعنی اگر تمدن‌شناسان مسائلی مانند شکاف طبقاتی، اشرافی‌گری، انحراف از فرهنگ معیار و مسائلی از این دست را به عنوان عامل انحطاط می‌شمارند، هر کدام از این موارد به‌نحوی به عدم هماهنگی و پیروی از نظام رفتاری و کنشی معیار مرتبط می‌شود.

این موضوع در دیدگاه اهل‌بیت را می‌توان در دو بعد کلّی و موردی رهگیری نمود. یکی از روشن‌ترین گزاره‌ها در بخش نخست، کلان‌هنجار «اطاعت از خداوند» است که در بیان اهل‌بیت ذیل موضوع سلامت، زکات‌انگاری شده است. ایشان زکات صحّت و سلامت جسمانی را تلاش در راه اطاعت از اوامر الهی دانسته‌اند.[2] بر این اساس، سلامت جسمانی در فرهنگ دینی مسئولیت‌زا بوده و این وظیفه، در هنجارمندی انسان نسبت به آن چه خالق برای وی تعریف نموده، دیده می‌شود. البته ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا اگر کسی از نعمت صحّت برخوردار نبود، این هنجار برای او تعریف نمی‌شود؟ یعنی چنین انگاره‌ای مختصّ افراد سالم است و بیماران مشمول آن نیستند؟

در پاسخ بایستی گفت: اولاً این گزاره در مقام بیان توجّه‌دهی به نعمت سلامت و مسئولیّت مرتبط با آن است. در واقع این گزاره مترصّد افزایش مسئولیّت‌پذیری آحاد جامعه باتوجه‌به وام‌داری انسان نسبت به خداوند است؛ نه اینکه بخواهد از کسانی که سالم نیستند، رفع مسئولیت کلّی داشته باشد. بنابراین معصوم از واژه «سعی» استفاده نموده تا توان حداکثری انسان را به تحرّک وادارد. ثانیاً قاعده‌ی کلّی «لا یکلّف الله نفساً الّا وسعها»[3] در همین مورد هم جاری بوده و افراد بیمار یا معلول بسته به میزان بیماری یا

---

۱. کلینی، ***الکافی***، ج ۴، ص ۶۲.
۲. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۲۷۵.
۳. بقره / ۲۸۶.

نقص عضوشان برخی از واجبات مانند روزه و جهاد برای آنان تخفیف داده می‌شود. پس بیماری موردی یا معلولیّت موردی، می‌تواند انعطاف مشخّصی در تعهّد دینی تعریف نماید؛ هرچند کلیّت موضوع را نمی‌زداید. ثالثاً این گزاره می‌تواند ناظر به سلامت پسابیماری لحاظ شود که فرد از بستری بیماری رها شده و سلامت خود را باز یافته و در این شرایط به شُکرانه بازیابی سلامت، بایستی حداکثر توان خود را در تبعیّت از دستورهای الهی به کار گیرد. یا اینکه فرد سالمی که بیماری و شرایط خاص دیگران را می‌بیند، حمد عافیت از آن بلایا را با تلاش در اطاعت خداوند دنبال نماید.

در مقعطی دیگر و در همین سطح کلّی، کلان‌هنجار «معروف» نیز زکات‌انگاری گردیده است و اهل‌بیت آن را به‌عنوان زکات نعمت‌های انسان بر شمردند.[1] معروف را نام هر فعلی دانستند که نیکی آن با عقل و یا شرع دانسته می‌شود.[2] بر اساس این معنا، زکات‌انگاری در التزام به فرهنگ معیار، صرفاً شامل فرهنگ دینی و یا نظام شریعت نشده و هر کنش عقلانی هم می‌تواند مصداق آن باشد. بنابراین از این گزاره ترویج خردورزی و عقلانیّت در بعد فرادینی هم قابل برداشت است.

در گام بعدی و به‌صورت ملموس‌تر، زکات‌انگاری موضوعات خاص ناظر به اجزای بدن انسان هم در دیدگاه ایشان تعریف گردیده است تا التزام به فرهنگ معیار، شمول حداکثری نسبت به همه انسان‌ها پیدا کند.

انگاره	مصداق ایجابی	مصداق سلبی
زکات چشم	نگاه عبرت‌ورزانه	چشم‌پوشی از شهوات
زکات گوش	گوش دادن به حکمت و قرآن و موعظه و نصیحت	پرهیز از دروغ، غیبت و ...
زکات زبان	نصیحت مسلمانان، بیدارگری غافلان، کثرت تسبیح و ذکر	-
زکات دست	بخشش و سخاوت در نعمت‌های الهی، نگاشتن علم و منافع مسلمانان در اطاعت الهی	دست نگه‌داشتن از شرور
زکات پا	تلاش در انجام حقوق الهی در زیارت صالحان، حضور در مجالس ذکر، اصلاح مردم و صله ارحام و جهاد و ...	-

شمول حداکثری در جهت نخست می‌تواند ناظر به عملکرد شخص انسان مسلمان مرتبط باشد که نه‌تنها زکات مالی را بر خود لازم بداند؛ بلکه در ذهنیّت تکامل یافته، برای تمام اعضای بدنش نیز متلزم به زکات خاص همان عضو باشد. از جهت دوم این شمول حداکثری می‌تواند افرادی را که وضعیت معیشتی خاصی دارند که زکات مالی بر عهده ایشان نیست نیز شامل بشود. در واقع چه زکات مالی بر

۱. حرانی، ***تحف العقول***، ص ۳۸۱.
۲. راغب اصفهانی، ***مفردات***، ص ۵۶۱.

انسان باشد یا نباشد؛ تحت هر شرایطی نوعی از زکات را در عملکرد خود لازم ببیند.

جالب است که امام در گزاره فوق، این موارد را به عنوان مثال مطرح فرموده و تصریح می‌نماید که تمام اجزای جسم انسان هرکدام زکات خاص خود را دارند؛ حتی موی بدن انسان و این موضوع در تمام زمان‌ها در عمر انسان جاری است.[۱] در واقع اهل‌بیت وضعیّتی را ترسیم می‌کنند که در هیچ حالی انسان از مسئولیت‌پذیری زکات‌انگارانه خالی نباشد و در هر شرایطی، نسبت به انجام نوعی از وظیفه دینی یا پای‌بندی به فرهنگ دینی، دغدغه‌مند باشد؛ هرچند برخی موارد فوق به یافته‌های بعدی مرتبط است که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

البته اهل‌بیت در کنار تعیین موردی زکات اعضای بدن، زکات کل بدن و جسم انسان را هم تعریف نموده و به‌صورت مشخص، روزه‌داری را تعیین فرمودند.[۲] بایستی دقت گردد که این گزاره از یک جهت بعد شرعی یافته و به فروع دین ارتباط می‌یابد. یعنی عنوان شرعی زکات، بر عنوان شرعی دیگری منطبق شده که خود نوعی ابتکار در بیان و ارزش‌گذاری محسوب می‌گردد. اما از جهت دیگر این گزاره می‌تواند رویکرد پزشکی و درمانی یافته و به مسائلی مانند چربی‌سوزی، پاک‌سازی و دفع سموم بدن، اصلاح دستگاه گوارش و موضوعاتی از این قبیل مرتبط باشد که موضوعی مستقل بوده و عرصه پژوهشی دیگر است.

علاوه بر این موارد زکات‌انگاری ناظر به بدن، در ویژگی‌های جسمانی هم دیده شده است. همان‌گونه که عفّت‌ورزی را زکات جمال انسان دانستند.[۳] البته بایستی دانست که مفهوم «جمال» صرفاً به ویژگی‌های چهره، بدنی، شخصی و جسمانی وابسته نبوده و در جذابیّت‌های مالی و جایگاه عشیره هم قابل تعریف است.[۴] برخی نیز آن را به معنای حُسن کثیر دانسته و آن را در نفس، بدن و افعال انسان هم تعریف می‌نمایند.[۵] بنابراین حتّی اگر فردی شخصیّت جذابی دارد که می‌تواند با رفتارش دیگران را جذب نماید، چنین زکاتی برای او قابل تعریف است.

این موضوع در فضای رسانه‌ای دوران معاصر بسیار قابل توجه است که رسانه می‌تواند به انحاء مختلف شخصیّت‌سازی کرده و زمینه ناهنجاری‌ها را برای قشری که در رسانه‌ها تبدیل به چهره شدند را فراهم آورد؛ موضوعی که در فرهنگ ملل مختلف قابل مشاهده است.

---

۱. امام صادق علیه السلام، ***مصباح الشریعه***، ص ۵۱.
۲. برقی، ***محاسن***، ج ۱، ص ۷۲.
۳. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۲۷۵.
۴. عسکری، ***الفروق فی اللغه***، ص ۲۵۸.
۵. راغب اصفهانی، ***مفردات***، ص ۲۰۲.

ممکن است در این بخش هم پرسشی مانند پرسش پیشین مطرح شود که آیا اگر کسی برخوردار از جمال و زیبایی نبود، می‌تواند مدّعی شود که عفّت‌ورزی برای او الزامی ندارد و یا عرصه این هنجار شامل او نمی‌گردد؟ روشن است که این گزاره با واقع‌بینی نسبت به فضای عمومی جامعه اسلامی و جهان، این هنجار را برای افراد زیبارو و خوش‌منظر که از لحاظ ظاهری جذّابیت بیشتری دارند، تأکید می‌نماید. زیرا آنها بیشتر از سایرین در معرض ناهنجاری‌های جنسی بوده و از همین رو، یک بایسته مجزّا برای آنان تعریف می‌گردد؛ هرچند عمومیّت پرهیز از رابطه نامشروع و خیانت‌های جنسی برای همگان ثابت است.

بر همین اساس موضوع فوق می‌تواند یک قاعده فرهنگی در توجه‌دهی به الزامات مضاعف اقشار مرتبط با ناهنجاری‌های خاص باشد. به این معنا که نسبت به رفتار ضدّارزشی که در قشری از جامعه، عرصه بروز بیشتری دارد، بر متولّیان و سیاست‌گذاران فرهنگی لازم است که با شناسایی نقاط آسیب‌زا و آسیب‌پذیر فرهنگی، قواعد و ضوابط هنجارمندی در آن قشر را به‌صورت مجزّا تعریف نمایند و زمینه بروز ناهنجاری را بدین طریق، به حداقل برسانند.

۲. منش سازنده و اصلاح‌گرانه در عرصه اجتماعی

علاوه بر التزام همگانی به فرهنگ معیار، بخش دیگری نیز در دیدگاه اهل بیت قابل رهگیری است به نوع عملکرد انسان در قبال انسان‌ها و در عرصه تعاملات اجتماعی تعریف می‌گردد. این هنجارها به‌صورت روشن، نوعی از هم‌گرایی و هم‌افزایی را در میدان جامعه به پیروان فرهنگ دینی می‌آموزند. در گام نخست این موضوع نسبت به تعامل فرد عرصه خانوادگی و محیطی مرتبط می‌شود؛ چنان‌که فرمودند: «زَكَاةُ الْيَسَارِ بِرُّ الْجِيرَانِ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ».[1] زکات آسانی، فراوانی و توانگری، نیکی نسبت به همسایگان و رسیدگی به بستگان است. در این گزاره هم عنوان «برّ» و هم عنوان «صله» عناوین عامّی هستند که شامل هرگونه کنشگری سازنده نسبت به این دو قشر هدف دانسته می‌شوند و به نحوی، نشان‌گر نوعی از منش فعال و اثربخش نسبت به آنها است تا هم تعامل خانوادگی و اجتماعی را بیافزاید و هم شکاف‌های اجتماعی را بکاهد.

در کنار این مسئله، فرهنگ اسلامی نوع دیگری از کنش‌گری سازنده را که برطرف‌کننده چالش‌های مربوط به اقشار یا افراد ضعیف از لحاظ فرهنگی در عرصه جامعه هست را تعریف نموده است. معصومان در تخاطب نسبت به قشر خردمند و اندیشمند جامعه، زکات مشخصی برای ایشان بیان فرمودند: «لِكُلِّ

---

۱. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۲۷۵.

شَيْ ءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْعَقْلِ احْتِمَالُ الْجُهَّالِ».[۱] در نگاه ایشان، عقلانیت عقلای جامعه، مسئولیتی مشخص نسبت به قشر کمتربرخوردار عقلانی برای ایشان ایجاد نموده تا اینکه هم تاب‌آوری آنها را افزایش داده و هم آنان را به تلاش برای عاقل‌سازی جاهلان وا دارد. این گزاره در واقع هم اشاره به عامل خردگرایی در پیشرفت تمدن‌ها است[۲] و هم اشاره به عامل مهم اخلاق در پایایی یک تمدن توجه می‌دهد.[۳] دقیقاً به همین جهت است که پیشوایان دین، تواضع را هم زکات شرافت انسان دانسته‌اند[۴] تا در فضای عمومی جامعه، هرگونه شرافت و برتری مالی، شغلی، علمی و غیره زمینه‌ساز تفوّق‌طلبی و برتری‌خواهی گروه‌های مختلف جامعه نشود.

در همین راستا اهل بیت با جانمایی هنجارهای مرتبط با اقشار برتر و بالادست، وضعیّت مناسب اقشار فرودست را پیگیری نموده‌اند؛ چه اینکه این شرایط مقطعی باشد و یا اینکه مستمر باشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام زکات پیروزی را عفو و بخشش معرفی فرمود.[۵] این گزاره می‌تواند شامل پیروزی سیاسی، پیروزی نظامی یا حتی پیروزی قضایی در محکمه عدل باشد که شرایط برتری برای فرد ایجاد می‌کند؛ اما او بایستی با رویکرد جامعه‌ساز، رأفت و رحمت اسلامی را فراهم آورد. هرچند این گزاره اخلاقی اجتماعی، اجرای عادلانه حدود و قصاص و یا مجازات مجرمان در عرصه جامعه را منتفی نمی‌داند و بلکه در شرایط خاصّی، این امور الزامی دانسته می‌شوند تا بستر جرم و ظلم و جنایت در جامعه افزایش نیابد. دقیقاً به همین جهت آن بزرگواران در یک مقطع، زکات قدرت را «عفو» معرفی می‌کنند[۶] و در مقطعی دیگر، زکات همان قدرت را «انصاف» بیان نموده‌اند.[۷] این تفاوت نشانگر وابستگی قدرت و پیروزی به شرایط مورد و مقطع خاص هر مسئله دارد؛ بدین صورت که اگر برای فرد یا قشر مغلوب، پیامد منفی ایجاد نمی‌گردد، اولویّت با برخورد مبتنی بر عفو است و اگر شرایط به‌گونه‌ای است که اجرای عدالت الزامی گردیده، بایستی حدود انصاف رعایت شود تا گروه غالب به ورطه طغیان و ظلم وارد نگردد.

بنابراین بایستی گفت: زکات‌انگاری عملکردهای اخلاقی در نوع منش سازنده اجتماعی، وابسته به درک درست و جامع از شرایط خاص هر رویداد و هر زمان و هر قشر و نیز وابسته به واکنشی است که

---

۱. همان، ص ۴۰۲.
۲. جان احمدی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۳۱.
۳. همان، ص ۲۹.
۴. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۴۱.
۵. ***نهج البلاغه***، حکمت ۲۱۱.
۶. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۳۱.
۷. همان، ص ۲۷۵.

ممکن است گروه هدف نسبت به نوع کنش ظفرمندانه شخص پیروز داشته باشد و تشخیص تمامی این موضوعات در التزام به نوع هر زکات اجتماعی، با فرد یا گروهی است که بر اساس هنجارهای دینی، بایستی آن را پیاده‌سازی کند.

در مقطعی دیگر، زکات‌انگاریِ نقش‌های اجتماعی نسبت به برخورداری‌های ذاتی و استعدادی انسان هم لحاظ گردیده است. برای مثال نسبت به کسانی برخوردار از بیان شیوا و زبان گویایی هستند، یک زکات روشنگرانه اجتماعی تعریف گردیده است: «زکات زبان نصیحت مسلمانان و بیدارگری غافلان است»[۱] یا نسبت به کسانی که از توان جسمی مناسبی برخوردارند، زکات بدنی در دفع ظلم از برادر دینی جانمایی گردیده است.[۲] بنابراین این انگاره هم نسبت به آسیب‌های رفتاری که در فضای عمومی پدید می‌آید کارآمد بوده و در واقع کاربرد اصلاح‌گرانه اجتماعی دارد.

۳. نقش‌آفرینی فعّال علمی آموزشی

علم به‌عنوان یک ضلع روشن از اضلاع هر تمدّن، نقشی خطیر و بی‌بدیل در ساخت، مانایی و اعتلای آن دارد که هرچه جامعه بشری رو به پیشرفت می‌رود، اهمیّت آن بیشتر و بهتر درک می‌گردد. انگاره زکات تمدّنی با همین رویکرد نیز در بیان اهل بیت قابل رصد است. در گام نخست و همچون یافته‌های پیشین، این موضوع نیز در قالب زکات اعضای بدن تعریف گردیده و اهل‌بیت زکات دست را تحریک آن به نگارش دانش دانستند.[۳] کتابت علم، عنوانی عام است که هم می‌تواند در دایره علم‌آموزی و فراگیری دانش لحاظ گردد و هم در مورد تحقیق و پژوهش‌های علمی لحاظ گردد و هم ناظر به تولید دایرةالمعارف‌های علمی و دانش‌نامه‌های مرجع، در نظر گرفته شود؛ هرچند به‌صورت انفرادی و شخصی صورت پذیرد.

اما مهم‌تر از نگاهِ صرف به علم‌آموزی، فعالیّت علمی در بعد تشکیلاتی و گروهی نیز زکات‌انگاری گردیده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «زکات علم آن است که آن را به بندگان خدا بیاموزی».[۴] همین موضوع در رویکردی دقیق‌تر ناظر به جامعه هدف مشخصی بیان گردیده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «هر چیزی زکاتی دارد و زکات علم، آن است که آن را به اهلش بیاموزی».[۵]

---

۱. امام صادق علیه السلام، ***مصباح الشریعه***، ص ۵۱.
۲. امام عسکری علیه السلام، ***التفسیر المنسوب الی الامام العسکری***، ص ۲۳۲.
۳. امام صادق علیه السلام، ***مصباح الشریعه***، ص ۵۲.
۴. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۴۱.
۵. حرانی، ***تحف العقول***، ص ۳۶۴.

گفتار فوق بیان‌گر چند نکته دقیق در فضای آموزشی است: نخست آنکه باید دانست همه اقشار جامعه، نمی‌توانند ظرفیت دانایی و دانشمندی را در حد اعلای آن داشته باشند و نسبت به کسانی که استعداد اعمال یداوی و یا هرگونه فعالیّت غیرعلمی دارند، نباید اصرار بر علم‌آموزی زیادی داشت. بنابراین اهل بیت بر این نکته تصریح دارند که زکات علم، آموختن آن به مستحق دانش است.[۱] دوم آنکه هر قشر از اقشار جامعه نیازمند دانایی و تخصص مرتبط با کار و حرفه خود است و هرگونه موضوع آموزنده‌ای لزوماً برای همه اقشار جامعه مصداق علم نافع شمرده نمی‌شود. سوم آنکه تشخیص دو نکته پیشین علاوه بر آنکه وظیفه نظام آموزشی و برنامه‌ریزان تحصیلی است، وظیفه شخص استاد، معلم و آموزگار و برنامه‌ریزان آموزشی نیز هست. چهارم آنکه آموزش وظیفه‌ای بسان پرداخت زکات است بنابراین اساس آموزش در تمدن دینی و جامعه اسلامی بایستی رایگان صورت بپذیرد. بنابراین در مقطعی دیگر تصریح فرمودند: «بَذْلُ الْعِلْمِ زَکَاةٌ».[۲] بر همین اساس، محدودیّت دسترسی به علم در جامعه و تمدن اسلامی غیرقابل قبول انگاشته می‌شود.

البته بایستی دقت داشت زکات‌انگاری صرفاً ناظر به جنبه الزامی آن نبوده و در دیدگاه اهل‌بیت، جنبه زایشی آن نیز (ذیل مفهوم لغوی زکات) در نظر گرفته شده است. بیان زیبای امیرالمؤمنین و مقایسه آن با ویژگی کاهشی اموال، در این زمینه گویا است: «العلم یزکو علي الإنفاق و المال تنقصه النّفقه».[۳] افزایش و رشد علم در آموزش، هم می‌تواند ناظر به تکثیر و توسعه آن در فضای آموزشی و تحصیلی باشد و هم می‌تواند ناظر به کشف ایده‌ها و راهکارهای جدید در بستر هم‌افزایی علمی باشد.

نکته پایانی در این بخش آنکه همان گونه که عمل‌گرایی در کنار علم‌گرایی یکی از ویژگی‌های تمدن‌ساز فرهنگ اسلامی دانسته شده[۴] اهل‌بیت در کنار انگاره زکات آموزشی، پایبندی عملی به علم را هم مدّ نظر داشته و تلاش در راستای عمل به علم را ارزش‌گذاری نموده‌اند.[۵] در واقع راهبرد اهل‌بیت در این مسئله، توجه هم‌زمان به موضوع آسیب‌شناسی در کنار فرهنگ‌سازی و ترویج علم است تا هم رشد علمی در جامعه رقم بخورد و هم علم و عمل به موازات یکدیگر رشد نمایند.

۴. منش خدمت‌محور در نهاد حاکمیّت

در کنار موارد پیشین، دیگر موضوع زکات‌انگارانه در دیدگاه اهل بیت مرتبط با نقش سازنده‌ای است که

---

۱. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۲۷۵.
۲. ابن‌بابویه، ***خصال***، ج ۱، ص ۱۲۵.
۳. ثقفی، ***الغارات***، ج ۱، ص ۹۰.
۴. اسعدی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۶۲.
۵. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۲۷۵.

حاکمان و دولت‌مردان می‌توانند در تمدن دینی ایفا نمایند. اولین نکته در این بخش موضوع «زکات جاه» است که در بیانات پیشوایان دین قابل رهگیری است. البته جاه عنوان عامّی است که منصب دولتی و هرگونه مقام و منزلت اجتماعی را در بر می‌گیرد. در هر حال امام عسکری علیه‌السلام یکی از موارد زکات جاه را پیگیری حاجت و نیاز برادر دینی و تأمین آن عنوان فرمودند.[۱] همان امام در مقطعی دیگر زکات جاه را رساندن مؤمنان به حوائجی دانستند که به‌خاطر ضعفشان از آن محروم شده‌اند.[۲] به هر روی این هنجار هم می‌تواند توسّط عموم کنش‌گران مدنی و فعّالان جهادی محقّق گردد و هم می‌تواند در قالبی نظام‌مند و ساختارمند توسط نهاد حاکمیّت اجرایی گردد. در واقع امام در این بیان، همسویی قدرت و مسئولیت‌پذیری را به‌صورت موازی ارزش‌گذاری فرمودند تا هر کسی که توان نقش‌آفرینی سازنده در این عرصه را دارد، از ارائه خدمت انسانی و اجتماعی فروگذار ننماید.

در سایر دیدگاه‌های اهل‌بیت، مسئله «شفاعت» به‌عنوان زکات جاه و مقام معرفی گردیده است.[۳] این موضوع نکته مهمّی است که مشخص می‌سازد مقوله شفاعت صرفاً موضوعی اخروی نبوده و بعد اجتماعی مهمی نیز دارد. لغت‌شناسان کهن شافع را گاهی به معنای «**الطالب لغیره**»[۴] و گاهی به معنای مُعین دانستند.[۵] این معنا به‌صورت روشن همیاری و هم‌افزایی نسبت به دیگران را فضای جامعه آشکار می‌سازد و می‌تواند مصادیق فراوانی در یاری معیشتی، علمی، اداری، عمرانی و غیره پیدا کند.

اما در مقعطی دیگر و در بیانی خاص که به نهاد حاکمیّت اختصاص دارد، انگاره دیگری تعریف می‌گردد که باز هم موضوع پیشین را آشکارتر می‌سازد: «**زَكَاةُ السُّلْطَانِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوف**».[۶] اغاثه به معنای به فریاد رسیدن، امداد رسانی، یاری رساندن و ملهوف را نیز به معنای اندوهگینی که مال یا عزیزش را از دست داده باشد و یا کسی که یاری بطلبد، دانسته‌اند. این هنجار پرارزش اجتماعی که ناظر به دولتمردان تعریف گردیده، ناظر به وسعت امکانات مالی، اجرایی و خدماتی آنان است که می‌توانند به صورت تشکیلاتی اقشار آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر جامعه را پوشش دهند. در واقع اغاثه ملهوف در نسبت با سلطان متفاوت از این هنجار در نسبت با آحاد جامعه است که به‌صورت داوطلبانه و خودجوش اقدام به تأمین نیازهای غمدیدگان می‌پردازند.

---

۱. امام عسکری، ***التفسیر المنسوب الی الامام العسکری***، ص ۲۳۲.
۲. همان، ص ۳۶۴.
۳. حرانی، ***تحف العقول***، ص ۳۸۱.
۴. صاحب بن عباد، ***المحیط فی اللغه***، ج۲، ص ۲۹۳.
۵. فراهیدی، ***العین***، ج ۱، ص ۲۶۱.
۶. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۲۷۵.

قابل توجه آنکه هنجارهای زکات‌انگارانه که برای نهاد حاکمیّت و شخص حکمران تعریف می‌شود، در دو سطح جانمایی می‌گردد. در سطح نخست که عنوان «أخیه» تعریف گردید، به‌صورت مشخص جامعه هدف هم‌کیشان و مسلمانان لحاظ می‌شوند که مؤمنان از باب «إنّ المؤمن أخ المؤمن ...».[1] یک خانواده انگاشته شده و مسئولیت متقابل نسبت به یکدیگر داشته و حاکمان هم نسبت به همه آنها مسئولیت دارند؛ همان گونه که قرآن کریم جامعه ایمانی را خانواده‌انگاری نموده است.[2] اما هنجار دوم (اغاثه ملهوف) عنوان عامی است که هم شامل هم‌کیشان و هم شامل غیرهم‌کیشان در تمدّن دینی می‌شود. زیرا ملهوف شامل هر انسان دردمندی می‌شود که دچار مشکل خاصی در معیشت و سایر ابعاد زندگی شده باشد.

حتّی علاوه بر آن این موضوع می‌تواند در ابعاد بین‌المللی نمود پیدا نموده و تمدّن دینی را نسبت به عموم دردمندان و مستضعفانی که در مناطق مختلف جهان، دچار مشکل هستند، فعّال بگرداند؛ فارغ از اینکه آن دردمندان و مستضعفان چه ملّیت، چه قومیّت، چه زبان و چه آیینی دارند. در واقع این موضوع نوعی از منش همگرا و پویایی را در تمدن اسلامی تعریف می‌کند تا مرزهای سیاسی و جغرافیایی باعث ایجاد محدودیّت در تعامل مثبت با ملل دیگر نگردد.

نکته پایانی در این بخش آنکه فرهنگ دینی برای نهاد حاکمیّت که قدرت سیاسی و اجرایی و حتّی قضایی را در اختیار دارد، زکات دیگری نیز تعریف می‌کند که موضوعی کلان در کنش‌گری و عملکرد مدیران شناخته می‌شود. اهل‌بیت به‌صورت روشن، زکات قدرت را «انصاف» معرّفی نمودند[3] تا عملکرد قدرت‌مندان در قبال دیگران همواره منصفانه بوده و به دور از هرگونه افراط و تفریط لحاظ گردد. این موضوع نیز قاعده عامّی است که کنش‌های متنوعی از صاحبان قدرت را در بر می‌گیرد و عنصر آسیب‌زدا از هرگونه رفتار زورمدارانه شناخته می‌شود.

در پایان این پژوهش بایستی به این پرسش پاسخ داد که پیشوایان دین، چرا و به چه علت از عنوان فقهی زکات برای بیان الزامات غیرمالی فوق که در شریعت نیز به عنوان واجب شناخته نشدند، استفاده نمودند؟ ایشان می‌توانستند همان هنجارها را بدون بیان عنوان «زکات» و یا بدون هر عنوان غیرفقهی دیگری بیان فرموده و بر ضرورت آنها تأکید نمایند تا این اصطلاح، صرفاً در کارکرد و بار شرعی و فقهی خود باقی بماند و به چنین موضوعاتی تسرّی پیدا نکند.

---

۱. حرانی، ***تحف العقول***، ص ۲۹۶.

۲. اسعدی، «کارکردشناسی فرهنگی و تمدنی خانواده‌انگاری جامعه از دیدگاه قرآن کریم»، ***نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ش ۴۲، بهار ۱۴۰۰.

۳. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۲۷۵.

در پاسخ به این پرسش، بایستی توجه داشت که اهل‌بیت بـا عنایـت بـه تقیّـد قشـر متشـرّع جامعـه اسلامی به احکام و ضوابط شرعی، تلاش می‌نمایند تا نگاه شریعت‌مدار آنان را توسعه بخشـیده و آنهـا را به این نکته رهنمون سازند که صرف تقیّد به فروع دین و صرف تقیّد مالی به پرداخـت زکـات واجـب در پیروی و همراهی با اهل‌بیت، مکفی انگاشته نمی‌شـود. بلکـه متـدیّنین جامعـه بایسـتی خـود را از بـروز نقش‌های مثبت اجتماعی که لزوماً «فریضه شرعی» نیستند، معاف ندانند. در واقع ایشان مـی‌خواهنـد بـا کاربست ادبیّات شرعی در این مسائل، متشرّعان جامعه را به کنش‌گری مضـاعف و تکـاپوی اجتمـاعی و تمدنّی وا دارند و آنهـا را از شـریعت انفـرادی بـه شـریعت اجتمـاعی برسـانند. بـر ایـن اسـاس موضـوع زکات‌انگاری، گروه خاصی از جامعه را هدف‌گذاری نموده که ملتزم به شریعت است.

نتیجه

وفق یافته‌های پژوهش حاضر، اهل‌بیت فارغ از توجه به التزام همگانی به شریعت و فروع دین در جامعـه، لایـه متمایز دیگری از همین گفتمان را با مصادیق کاملاً متفاوت جانمایی نمودند که فرهنگ دینی را به‌صـورت فـرا شرعی تعریف می‌نماید. به این صورت که با حفظ اهمیت و لزوم شریعت، آن را کافی در ساخت جامعه مطلـوب ندانسته و الزاماتی ورای آن را لازم می‌دانند که بدون آنها، تمدن تراز دست یافتنی نخواهد بود. اهل‌بیت بـا ایـن گفتمان، مترصد آن بودند که جامعه عناصر تمدن‌ساز را نیز بسان شریعت فریضه بدانند؛ هرچند این موضـوعات به‌صورت خاص در دایره فروع دین نگنجد و عنوان فریضه شرعی بر آن بار نگردد.

نتیجه دیگر آنکه زکات‌انگاری الزامات تمدنی در موضـوعات پـیش‌گفتـه آشـکارگر آن اسـت کـه هرگونـه برخورداری فرد در عرصه اجتماعی، ایجادگر مسئولیت و وظیفه‌ای مجزا و مرتبط با همان برخورداری است؛ چـه آن داشته، مالی باشد، یا جسمانی باشد، یا علمـی باشـد یـا سیاسـی و دولتـی باشـد. بنـابراین قاعـده مـالی در برخوداری بیشتر، به همه عرصه‌های حیات انسانی و به عموم نیازهای جامعه تسرّی می‌یابد تا در تمـدّن دینـی، مسئولیت‌پذیری صرفاً در جنبه مالی انگاشته نگردد. به دیگر سخن، اهل‌بیت با زکات‌انگاری نقش‌هـای تمـدّنی می‌کوشند تا ذهنیّت اکتفا به نقش مالی به عموم نقش‌های مثبت انسانی و اجتماعی گسترش یابد.

منابع و مآخذ

- ***قرآن کریم***.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (١٤١٥ ق). ***روح المعانی***. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد (١٣٦٧). ***النهایة فی غریب الحدیث و الاثر***. قم: اسماعیلیان.

- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳٦۲). ***الخصال***. قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق). ***التوحید***. قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱٤۰٤ ق). ***تحف العقول***. قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ ق). ***مناقب آل ابیطالب***. قم: علامه.
- ابن‌عربی، محمد بن عبدالله (۱٤۰۸ ق). ***احکام القرآن***. بیروت: دار الجیل.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱٤۱٤ ق). ***لسان العرب***. بیروت: دار صادر.
- ازدی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۷). ***کتاب الماء***. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- اسعدی محمد مصطفی، (۱٤۰۳). جهادانگاری بایسته‌های غیرنظامی تمدن‌سازی در فرهنگ اسلامی مبتنی بر دیدگاه اهل بیت. ***نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. ۱٤ (۳). ٦۳ ـ ۸۲.
- اسعدی، محمد مصطفی (۱٤۰۱). ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. قم: دفتر نشر معارف.
- اسعدی، محمد مصطفی (۱٤۰۰). کارکردشناسی فرهنگی و تمدنی خانواده‌انگاری جامعه از دیدگاه قرآن کریم. ***نشریه تاریخ فرهنگ تمدن اسلامی***. ۳ (۲). ۷ ـ ۳۲.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ ق). ***المحاسن***. جلال الدین محدث. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱٤۱۰ ق). ***الغارات***. عبدالزهرا حسینی. قم: دار الکتاب الاسلامی.
- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۹٦). ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. قم: دفتر نشر معارف.
- جعفر بن محمد، امام صادق علیه‌السلام (۱٤۰۰ ق). ***مصباح الشریعه***. بیروت: اعلمی.
- جعفری، محمّدتقی (۱۳۷٦). ***ترجمه و تفسیر نهج البلاغه***. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسن بن علی، امام عسکری علیه‌السلام (۱٤۰۹ ق). ***التفسیر المنسوب الی الامام العسکری*** علیه‌السلام. قم: مدرسه امام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
- خزاز رازی، علی بن محمد (۱٤۰۱ ق). ***کفایة الاثر***. عبداللطیف حسینی. قم: بیدار.
- دورانت، ویل (۱۳٦۸). ***درآمدی بر تاریخ تمدّن***. احمد بطحایی و خشایار دیهمی. تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱٤۱۲ ق). ***مفردات الفاظ القرآن***. بیروت: دار القلم.
- الشریف الرضی، محمد بن حسین (۱٤۱٤ ق). ***نهج البلاغه***. قم: هجرت.
- صاحب بن عباد (۱٤۱٤ق). ***المحیط فی اللغه***. بیروت: عالم الکتاب.

- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸٦). ***مفاهیم و نظریّه‌های فرهنگی***. تهران: ققنوس.
- طوسی، محمد بن حسن (١٤١٤ ق). ***الامالی***. قم: دار الثقافه.
- عسکری، حسن بن عبدالله (١٤٠٠ ق). ***الفروق فی اللغه***. بیروت: دار الآفاق الجدیدة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤٠٩). ***کتاب العین***. قم: هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد (١٤١٤ ق). ***المصباح المنیر***. قم: دار الهجره.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۹۲). ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. قم: انتشارات المصطفی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ ق). ***الکافی***. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷٦). ***عیون الحکم و المواعظ***. قم: دار الحدیث.
- معین، محمد (۱۳۸٦). ***فرهنگ فارسی***. تهران: ادنا.
- مفید، محمد بن محمد (١٤١٣ ق). ***الارشاد***. قم: کنگره شیخ مفید.